

این بار کسی محکوم شده است که «نشان خدمت» بر سینه دارد

طنز تلخ یک پرونده



معهومه معظمی

T.moazami@fdn.ir

پس از اعلام حکم محکومیت محمدرضا رحیمی، معاون اول دولت دهم، اظهار نظر‌های فراوانی در این باره منتشر شده است که هر یک از زاویه‌های به این موضوع می‌نگرند؛ از فراکتی برخی اصولگرایان و نفی سابقه اصولگرایی رحیمی گرفته تا کسانی که به حال کشور در دوره حاکمیت دولت دهم تاسف می‌خورند و معتقدند که حامیان دیروز این دولت حالا باید پاسخگو باشند. تناقض‌ها در این باره فقط به اظهارنظرها و زاویه‌دیدهای گوناگون بر نمی‌گردد بلکه در کارنامه محکوم این پرونده، سمت‌ها و اتفاقاتی وجود دارد که در مقایسه با عملکرد وی، طنز تلخی را رقم زده است. معاون اول دولت دهم در حالی محکوم شناخته شده است که پیش از حضور در دولت احمدی‌نژاد با رای مجلس هفتم در سمت رئیس دیوان محاسبات قرار گرفت. این دیوان نهادی نظارتی زیر نظر قوه مقننه است که وظیفه‌اش تطبیق رفتار دولت در زمینه دخل و خرج با قانون بودجه و قانون برنامه است تا تخلف یا فسادِ روی ندهد. همچنین رحیمی پس از انتخاب به‌عنوان معاون اول دولت دهم، در راس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی قرار گرفت. اما این طنز تلخ در همین جا پایان نمی‌یابد چراکه این روزها حکم محکومیت کسی قطعیت یافته که از سوی رئیس جمهوری وقت شایسته در یافت «نشان خدمت» شناخته شده است. این موقعیت‌های متناقض محور گفت‌وگوهای فرهیختگان با سه نفر از نمایندگان مجلس را تشکیل داده است که در ادامه دیدگاه‌های آنان را می‌خوانید.

چه اتفاقی افتاده است؟

معاون اول رئیس جمهوری سابق که سال‌ها رئیس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده است، محکوم به فساد اقتصادی است و جالب‌تر اینکه از طرف رئیس دولت نهم و دهم نشان درجه یک



ابراهیم نکو

عضو کمیسیون اقتصادی

چرا هیچ گزینه‌ای به جز دیپلماسی در برابر ایران نباید روی میز باشد؟

مذاکره و دیگر هیچ



محمدرضا احمدی‌نیا

Behzad.Ahmadinia@fdn.ir

پرونده هسته‌های ایران از ابتدای طرح در مجامع بین‌المللی به یکی از بهانه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا برای تهدید کشورمان به استفاده از اهرم نظامی تبدیل شد و این تهدیدها تا جایی پیش رفت که بین سال‌های ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) تا ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) بارها مقامات آمریکا از اصطلاح «گزینه نظامی» برای تهدید ایران به حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای‌اش استفاده کردند و هر بار نیز با واکنش متقابل مقامات جمهوری اسلامی روبه‌رو شدند. اما از حدود ۱۴ ماه قبل به این‌سو و با پیشرفت تهران و واشنگتن در مسیر دیپلماسی، استفاده از این ادبیات کم‌کم به دست فراموشی سپرده شده بود. طی ۱۵ روز گذشته و پس از آغاز به کار کنگره آمریکا که در انتخابات سال ۲۰۱۴ در دست تندروهای حزب جمهوریخواه قرار گرفت، استفاده از اهرم طرح‌های موهوم نظامی و تهدیدهای آشکار و تهدیدهای اقتصادی و تحریم‌های مقامات رژیم صهیونیستی و برخی سیاستمداران آمریکا، جان دوبارگی گرفت و حتی باراک اوباما نیز با یک اشاره تلویحی به موضوع، یادآور شد که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، همه گزینه‌ها روی میز خواهند بود و البته اعلام کرد تا زمان در جریان بودن مذاکرات حتی اجازه افزایش تحریم به کنگره نمی‌دهد. در این میان تنها کسی که هنوز هم به‌طور آشکار از یک حمله هوایی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران سخن می‌گوید بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است که از هیچ تلاشی برای مانع‌تراشی بر سر راه توافق جامع هسته‌ای ایران فروگذار نکرده است. مجله تحلیلی آتلانتیک

که دفتر آن در واشنگتن قرار دارد، در نسخه آنلاین خود دو مقاله به قلم جفری گولدبرگ و جیمز فالوز منتشر کرده است که اولی به «مخمسهای که نتانیاهو برای خود و دوستانش به راه‌انداخته» و دیگری به ارزیابی میزان امکان‌پذیری «حمله هوایی علیه ایران» پرداخته است تا براساس واقعیت‌های موجود، عملی بودن چنین گزینه‌ای و همچنین اعتبار هیاهوهای نتانیاهو را بررسی کند.

مصیبتی جهانی

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل این روزها به این نتیجه رسیده است که تنها یک وظیفه برعهده دارد و آن هم جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای است. چنین تفکری درباره شغل نخست‌وزیری آن هم برای رژیمی مانند اسرائیل، یک دیدگاه ساده‌لوحانه و تقلیل‌گراست. او برای انجام وظیفه‌ای که برای خود تعریف کرده است، راه‌حل‌های محدودی دارد که یکی از اصلی‌ترین آنها حمله نظامی و درگیری مستقیم با ایران است. نتانیاهو چند سال است که در شیبور این جنگ احتمالی می‌دمد اما در عمل یا به دلیل اینکه توان نظامی کافی را ندارد یا ناکارآمدی چنین راه‌حلی، دست به اقدامی نزده است و تنها از کشوری به کشور ما دیگر می‌رود و از سران دیگر کشورها افزایش تحریم برای ایران را التماس می‌کند. آنچه مسلم است اینکه او بدون همراهی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان سردمدار تحریم‌ها علیه ایران و به‌عنوان کشوری که توان لازم برای برخورد مورد نظر رژیم صهیونیستی را دارد، نمی‌تواند به مقاصد تعریف‌شده‌اش برسد و این اصل جدا از تقابلی است که طی سال‌های اخیر با دستگاه مدیریتی باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا داشته است.

سیاست



ای کاش حکم در زمان مسئولیت رحیمی اعلام می‌شد



محمدعلی اسفغانی

سخنگوی کمیسیون

قضایی و حقوقی مجلس

وقتی محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری سابق که نشان درجه یک دولتی «خدمت» را از احمدی‌نژاد دریافت کرده و سال‌ها رئیس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده است، خودش به‌عنوان مفسد اقتصادی محکوم می‌شود، باید به حال آن دولت تاسف خورد. اتفاقی که افتاده موضوع سنگینی است که صدمه بزرگی به نظام وارد کرده است. اگر قرار بود به این تخلفات و فسادهای مالی رسیدگی شود، ای کاش همان زمان که رحیمی به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهوری در قدرت بود سمت داشت به این تخلفات رسیدگی می‌شد. البته هر صورت خوب است که سرانجام به پرونده تخلف رحیمی رسیدگی شد تا مسئولان بدانند در هر صورت حتی زمانی که دوران خدمت و مسئولیت‌شان تمام می‌شود، باید نسبت به اقدامات‌شان پاسخگو باشند.

ولی سوال این است که اگر رحیمی هنوز در دولتی مثل دولت احمدی‌نژاد روی کار بود، آیا این محاکمه انجام می‌شد که بعدا احمدی‌نژاد بیاید و به ادعای خودش مبنی بر عذرخواهی از مردم در صورت تایید فساد مالی رحیمی عمل کند؟ البته درباره حکمی که برای وی صادر شده است، ما در مقام تحلیل رای نیستیم. معتقدیم همه افراد باید قانونمند باشند و وقتی دیوان عالی کشور به‌عنوان بالاترین مقام قضایی کشور حکم وی را تایید کرده است، بنابراین باید بگوییم که بله همین حکم است. نمی‌توانیم بگوییم این حکم درست یا غلط است و باید به حکم قانونی تمکین کرد.

رحیمی قبل از دوم خرداد تاکنون اصولگرا بود

امیر محبیان، فعال سیاسی اصولگرا می‌گوید از زمانی که محمدرضا رحیمی را شناخته است و این شناخت به قبل از دوم خرداد ۷۶ بازمی‌گردد، او در زمره اصولگرایان قرار داشته است. به باور او، در گفت‌وگو با سنایت ندای ایرانیان، نمی‌توان به دلیل پرونده اخیر رحیمی گذشته او را منکر شد.

دبیرکل حزب نواندیشان ایران اسلامی معتقد است اصولگرایان نمی‌توانند و نباید گذشته افراد را نادیده بگیرند، هر چند می‌توانند بر اساس قاعده ملاک حال فعلی افراد است، فردی را از میان خود طرد کنند اما بر گذشته‌های فرد خط‌کشیدن، دور از جوانمردی است.

حافظه تاریخی

در ستایش اصولگرایانی که راه خود را از دولت‌های نهم و دهم جدا کردند

اعلام برائت‌های بهنگام



زینب نورانیان

z.noranian@fdn.ir

هم ریخت و آنان را به تکاپو انداخت تا هرطور شده ثابت کنند معاون اول دولت اصولگرایی محمود احمدی‌نژاد که اکنون به پنج سال و ۹۱ روز حبس و همچنین سه میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان جزای نقدی و رد مال محکوم شده، هیچ قربانی با آنان نداشته است و انگار نه انگار وقتی احمدی‌نژاد، رحیمی را به‌عنوان معاون اول دولت دهم خود معرفی کرد ۲۱۱ نماینده مجلس اصولگرایی مجلس هشتم از رئیس جمهوری محسوب خود برای انتخاب نیرویی زحمتکش، انقلابی و دل‌سوخته « تشکر کردند یا آنکه ۱۷۰ داوطلب نامزدی انتخابات مجلس هشتم که همگی اصولگرا بودند، از کمک‌های رحیمی برخوردار شدند. در این میان هیاهوی این طیف برای سبقت گرفتن از هم در اعلام برائت از محمدرضا رحیمی و منتسب کردن وی به اردوگاه جریان رقیب، حتی به احمدی‌نژاد هم رسید و وی نیز پشت معاون اول خود را که روزگاری برایش سنگ‌تمام گذاشته و به نقل از یکی شهروند سوری مدعی شده بود که اگر خداوند در این قرن پیامبری می‌فرستاد، او کسی جز محمود احمدی‌نژاد نخواهد خالی کرد، معذود اصولگرایانی بودند که در دوران اوج حمایت اصولگرایان از محمود احمدی‌نژاد، دولت‌شایش، دست به افتکاری زدند. این بخش از اصولگرایان که البته چندان پر تعداد نیستند در زمانی که دولت‌های نهم و دهم «پاک‌ترین دولت تاریخ ایران» خوانده می‌شد با شجاعت راه خود را از سایر هم‌طیفان‌شان جدا کردند. این جسارت اما بی‌پاسخ نماند و هزینه آن در انتخابات‌های هشتمین و نهمین دوره مجلس شورای اسلامی نمایان شد و همین شد که این افراد با فشار دولت از فهرست انتخاباتی اصولگرایان حذف شدند.

جداشد گان مجلس هفتم

هنوز مدت زیادی از راه یافتن نهم محمود احمدی‌نژاد به پاسپور نگذاشته بود و اصولگرایان از در اختیار داشتن دو قوه مقننه و مجریه خرسند بودند که گروهی از درون این جریان سیاسی در مجلس با دولتی که خود از آن حمایت کرده بودند، زاویه گرفتند و راه خود را از سایر اصولگرایان جدا کردند. در حالی که پیش‌بینی می‌شد در خلال حضور اصلاح‌طلبان، مجلس اصولگرایی هفتم یک‌دست باشد؛ نخستین جرقه‌های پراکندگی در میان اصولگرایان در همین مجلس زده شد. عماد افروغ، محمد خوش‌چهره، سعید ابوطالب، حسن سبحانی، الهام امین‌زاده و محمدهادی رباتی به دلیل آنچه «دولت‌گرایی پارلمان» می‌خواندند، با ۳۱ عضو فراکسیون مستقل اصولگرایان را در مجلس هفتم تشکیل دادند تا به یکی از وظایف نمایندگی، یعنی نظارت بر اجرای قانون، که معتقد بودند به درستی اجرا نمی‌شود، عمل کنند. گرچه انتقاد منتقدان اصولگرایی دولت نهم در وهله اول به رئیس این دولت، عملکرد، مواضع و اطرافیانش بود، رحیمی نیز در این میان سهمی هر چند کوچک را به خود اختصاص داده بود. عملکرد محمدرضا رحیمی که آن زمان ریاست دیوان محاسبات را برعهده داشت و اعتراض به اظهارات تملق‌آمیز وی در مدح احمدی‌نژاد و ارائه نکردن گزارش از تخلفات دولت، یکی از انتقادهای فراکسیون مستقل اصولگرایان مجلس هفتم به محمدرضا رحیمی بود. این اعتراض زمانی به اوج خود رسید که رحیمی در جلسه‌ای در ملح و ستایش محمود احمدی‌نژاد سخنانی گفت که حتی امامان از او در یافت کرده است. از قوه قضائیه خبر داد که برای وی صادر شده است، ما در مقام تحلیل رای نیستیم. معتقدیم همه افراد باید قانونمند باشند و وقتی دیوان عالی کشور به‌عنوان بالاترین مقام قضایی کشور حکم وی را تایید کرده است، بنابراین باید بگوییم که بله همین حکم است. نمی‌توانیم بگوییم این حکم درست یا غلط است و باید به حکم قانونی تمکین کرد.

نگاه دیگران



و نزدیک ایران قرار نداشته باشند. در مقابل ایران ۱۰ سال در برنامه اتمی خود و هم‌زمان در توسعه روش‌های دفاع از آن و بررسی گزینه‌های منطقی، پیشرفت داشته است. سرهنگ سسم گاردینر، افسر بازنشسته نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا که یکی از طراحان بازی شبیه‌سازی حمله به ایران بود، در اظهارنظری گفته است: «امر مز من تنها دو پیشنهاد ساده برای سیاستگذاران آمریکا دارم: یکی اینکه هیچ راه‌حل نظامی برای مساله ایران وجود ندارد و دوم اینکه باید کاری کنید که دیپلماسی نتیجه دهد.» این توصیه‌هایی است که هم آن روز صادق بود و هم امروز صادق‌تر است. علت اصلی اینکه این بحث را پیش کشیده‌ایم، بخشی از مقاله تحلیلی «نتانیاهو، یک مصیبت» است که همکار دیگرم در آتلانتیک منتشر کرده است و در جایی از آن یاد آوآوری تعمل نتانیاهو در حمله به ایران نوشته است: «نتانیاهو که نتایجی برای تواند می‌باشد. در شوق و غرب ایران، سیاه می‌کردیم، تنها یک نتیجه به دست آمد و، آن، این بود که در صورتی که آمریکا ناگزیر به استفاده از اهرم نظامی علیه ایران شد، ایران تنها بخشی از سرعت پیشرفت خود در برنامه هسته‌ای‌اش را از دست می‌دهد و در مقابل پس از آن با جهت کاملاً غلط است که نه تل‌اوویو شتاب بیشتر و با رعایت اصول دفاعی قوی‌تر، اقدام به پیگیری برنامه‌اش خواهد کرد. در واقع، نتیجه بررسی ما از اوضاع و امکانات آن زمان این بود که چنین حمله‌ای از راه آسمان ناکافی و ناقص و از راه زمین غیرممکن است و با توجه به اینکه نمی‌تواند یک عملیات بدون نقص و بازدارنده تمام‌عیار باشد، تنها عزم ایران را چند برابر خواهد کرد. اکنون با گذشت یک دهه از آن روزها، تنها یکی از اهرم‌های ایران در این بازی ضعیف شده است و آن هم خروج ده‌ها هزار سرباز آمریکایی از عراق و افغانستان است که موجب می‌شود این نیروها در تیررس

عملیات غیر ممکن

یک دهه قبل و در دسامبر سال ۲۰۰۴ (آذر ۱۳۸۳) مجله آتلانتیک مقاله‌ای منتشر کرد که عنوان آن «آیا ایران موسسه جهانی دفاع، یک نوع بازی شبیه‌سازی حمله احتمالی نظامی به ایران را ترسیم کردیم که در صورت وقوع چه نتایجی خواهد داشت. روی کاغذهایی که در آن زمان ما به پشتوانه عمل نتانیاهو در حمله به ایران نوشته می‌باشد. «نتانیاهو که نتایجی برای تواند می‌باشد. در شوق و غرب ایران، سیاه می‌کردیم، تنها یک نتیجه به دست آمد و، آن، این بود که در صورتی که آمریکا ناگزیر به استفاده از اهرم نظامی علیه ایران شد، ایران تنها بخشی از سرعت پیشرفت خود در برنامه هسته‌ای‌اش را از دست می‌دهد و در مقابل پس از آن با شتاب بیشتر و با رعایت اصول دفاعی قوی‌تر، اقدام به پیگیری برنامه‌اش خواهد کرد. در واقع، نتیجه بررسی ما از اوضاع و امکانات آن زمان این بود که چنین حمله‌ای از راه آسمان ناکافی و ناقص و از راه زمین غیرممکن است و با توجه به اینکه نمی‌تواند یک عملیات بدون نقص و بازدارنده تمام‌عیار باشد، تنها عزم ایران را چند برابر خواهد کرد. اکنون با گذشت یک دهه از آن روزها، تنها یکی از اهرم‌های ایران در این بازی ضعیف شده است و آن هم خروج ده‌ها هزار سرباز آمریکایی از عراق و افغانستان است که موجب می‌شود این نیروها در تیررس